



خورشید سامرا

پدیدآورده (ها) : فقیه حقانی، موسی

تاریخ :: تاریخ معاصر ایران :: زمستان 1384 - شماره 36

از 155 تا 174

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/413100>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 14/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

خورشید سامراء

السلام علیهما یا ولّیّ الله
و یا نور الله فی ظلمات الارض^۱

موسی حقانی

هنگامی که امام علی بن محمد (ع) معروف به هادی و ابن الرضا به دستور متوکل عباسی و به وسیله «یحیی بن هرثمه بن اعین» از مدینه، شهر پیامبر، به سامراء احضار گردیدند روح تازه‌ای در کالبد پایتخت نظامی عباسیان دمیده شد. سامراء که «سُرْمَن رَأی» نیز می‌گویندش هرچند دیدن طبیعت‌اش هر بیننده‌ای را مسرور می‌کند، اما بافت جمعیتی و شرایط نظامی حاکم بر آن درکنار خشونت و سببیت متوکل عباسی زندگانی را در آن بسیار سخت ساخته بود. مرد محبوب مدینه که پاکترین و راستگوترین خلق بود روزهای سختی را در پادگان نظامی عباسیان پیش روی داشت.

سامراء دوازده سال پیش از آنکه به قدوم مبارک ابوالحسن ثالث امام علی النقی (ع) متبرک گردد به عنوان پایتخت عباسیان برگزیده شد. تندخویی و درازدستی ممالیک ترک که در اطراف معتصم عباسی گرد آمده بودند مردم بغداد را به ستوه آورد، لذا معتصم از خوف شورش مردم به سامراء رفت و آنجا رابه پایتختی برگزید و از آن پس خراب‌آباد سامراء، مسکن هشت تن از خلفای بنی‌العباس گردید. تا اینکه در ۲۷۹ قمری رو به افول نهاد و به سرعت به قصبه‌ای تبدیل شد. از این پس به آن ساء من رأی (بدا بر آنکه آن را ببیند) گفتند. سامراء چون به ظلم، آباد شد شوکتش دیری نپایید. شهری که در عرض شش سال از ۲۲۱ تا ۲۲۷ قمری عمارت‌هایش بر عمارت‌های با شکوه بغداد تنه می‌زد در

۱. درود بر شما ای در ولی خدا و دو نور خدا در تاریکیهای زمین.

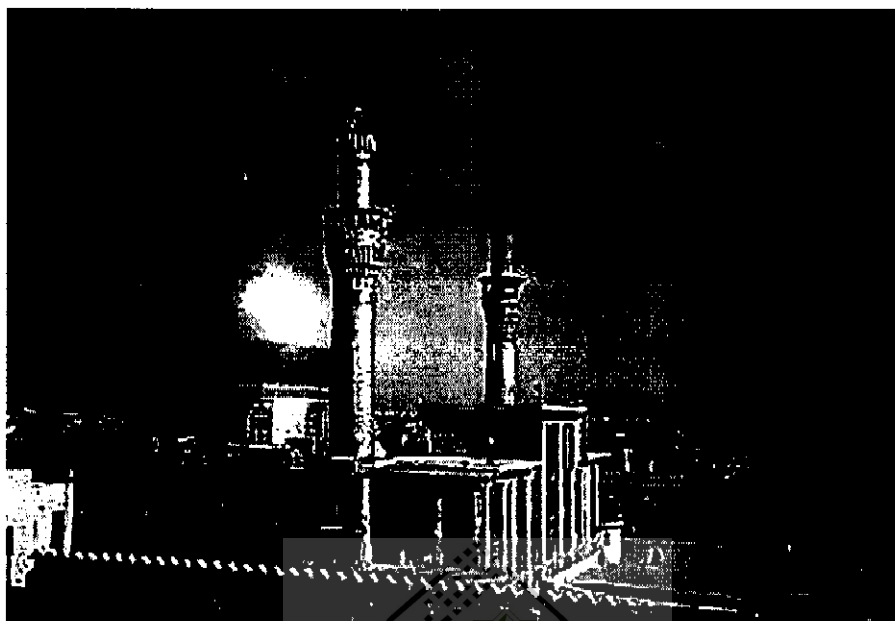
دوران متوکل عباسی به اوج خود رسید، بقایای قصرهای این شهر نمادی از دوران سراسر ظلم متوکل عباسی است که در دوران او و به دستور وی کربلای معلی و حرم حسینی تخریب و زمین آن شخم زده شد. و از عبرت‌های بزرگ الهی اینکه خلیفه ظالم در دنیا و آخرت خانه خراب گردید. متوکل نه ماه بیشتر در قصر تازه تأسیس خود در کنار سامراء، که موسوم به قصر جعفری و متوکلیه شد اقامت نکرده بود که به دست پسر خود منتصر کشته شد و کاخ و آبادیهای اطراف آن ویران گردید. این پایان ماجرا نبود، پایتخت در ۲۷۹ قمری دوباره به بغداد منتقل شد و سامراء به کلی متروک گردید و جز مشهد امامین هم‌امین (علیهما السلام) و حریم آن و سرداب و محله کرخ جایی معمور نماند.

امام هادی(ع) که دوران سخت متوکل را در سامراء گذرانده بود، سه خلیفه دیگر عباسی به نامهای منتصر، مستعین و معتز را نیز در خراب‌آباد سامراء دید و سرانجام در ۲۵۴ قمری به دستور معتز به شهادت رسید و خاک سامراء که با حضور آن حضرت شرافت یافته بود، جسم آن حضرت را در پر گرفت. حسن بن علی(ع) در غم شهادت پدر گریبان چاک کرد و او را در خانه خود غسل داد و دفن کرد. امام هادی این خانه را که مدفن ایشان شد از دلیل بن یعقوب نصرانی خریده بود.

۱۵۶

امام حسن عسکری که پس از پدر عهده‌دار امامت شیعیان شده بود بایاد خاطرات غم‌بار پدر روزهای سختی را در سامراء گذراند. خوب به یاد داشت که هنگام ورود پدر، متوکل دستور داد آن بزرگ را در کاروانسرای گداپان جای دادند. سالهای سخت گیری بر زوار حسین(ع) و تخریب حرم مطهر سیدالشهداء در ۲۳۶ قمری قلب امام عسکری را می‌فشرد و به یاد می‌آورد که پدر هنگام شدت بیماری در دوره متوکل به محمدبن حمزه می‌گفت که: با احتیاط کسی را به حایر حسینی(ع) بفرستید تا برای من دعا کند و نیز شنیده بود که پدر در پاسخ سوال علی بن بلال که از سر تعجب پرسیده بود: او خود حایر است، او را با حایر حسینی(ع) چکار؟ فرموده بود: من دوست دارم برای من دعا نمایند در آنجا که خدا دوست می‌دارد او را در آنجا بخوانند.^۱ و این در وضعیتی بود که قبر سیدالشهداء به دستور متوکل عباسی شخم زده شده بود. فرا خواندن امام به مجلس متوکل در حالتی که خلیفه عاصی بر خدا مست بود و از امام می‌خواست که برای او شعر بخواند، حبس امام و کندن قبر در مقابل دیدگان آن حضرت، آماده کردن غلامان زنگی

۱. عباسقلی خان سپهر. نسخ التواریخ. تصحیح: ابراهیم میانجی و... تهران، اسلامی، [بی‌تا]. ج ۸، صص ۱۵-۱۷ به نقل از بحارالانوار.



حرم مطهر عسکرین در سامراء

۱۵۷

برای قطعه قطعه کردن ذریه زهراء (س)، پیاده کشاندن فخر آسمان و زمین به دنبال خود و زیرش فتح ابن خاقان برای خوار نمودن آن حضرت و... وقایعی بود که یادآوری آنها قلب امام عسکری را می آزرده و این در حالی بود که آن بزرگ که معروف به ابو محمد زکی، هادی، عسکری و ابن الرضا بود خود روزگار خوشتری نداشت.

در دوران فرعونى معتمد عباسى، فرعون زمان از تولد موسى آل محمد (ص) بیمناک بود لذا مراقبتها نسبت به بیت حضرت عسکری شدت گرفت، معتمد راه چاره را در به شهادت رساندن امام عسکری دانست، لذا آن حضرت به دستور او مسموم و در بامداد هشتمین روز از ماه ربیع الاول سال ۱۶۰ هجری پس از رازونبازی عاشقانه به جوار معبود شتافت. نماز را امام عصر بر پیکر پدر اقامه کرد و در هجوم مأموران فرعون برای دستگیری موسی زمان، یوسف زهراء (س) در سرداب و محل عبادت پدران خود به چاه غیبت فروشد و شرافت آن مکان افزون گردید. جسم پاک امام حسن عسکری نیز در همان خانه و در کنار قبر مطهر امام علی النقی (ع) به خاک سپرده شد و پس از آن اجساد مطهر نرجس خاتون مادر امام عصر (عج)، حکیمه خاتون عمه آن امام غایب از نظر و نیز

جده مادر امام حسن عسکری و حسین بن علی الهادی در آن مکان مقدس به خاک سپرده شد و خاک سامراء نیز مانند خاک بقیع و مدینه، نجف و کربلاء و مشهد امام رضا (ع) برای شیعیان تقدس یافت. قبور آن بزرگان زیارتگاه شیعیان آل محمد (ص) شد و سامرای ویران به سبب شرافت مدفونین آل الله در آنجا محل توجه شیعیان قرار گرفت و همین، اندکی باعث آبادانی سامراء گردید.

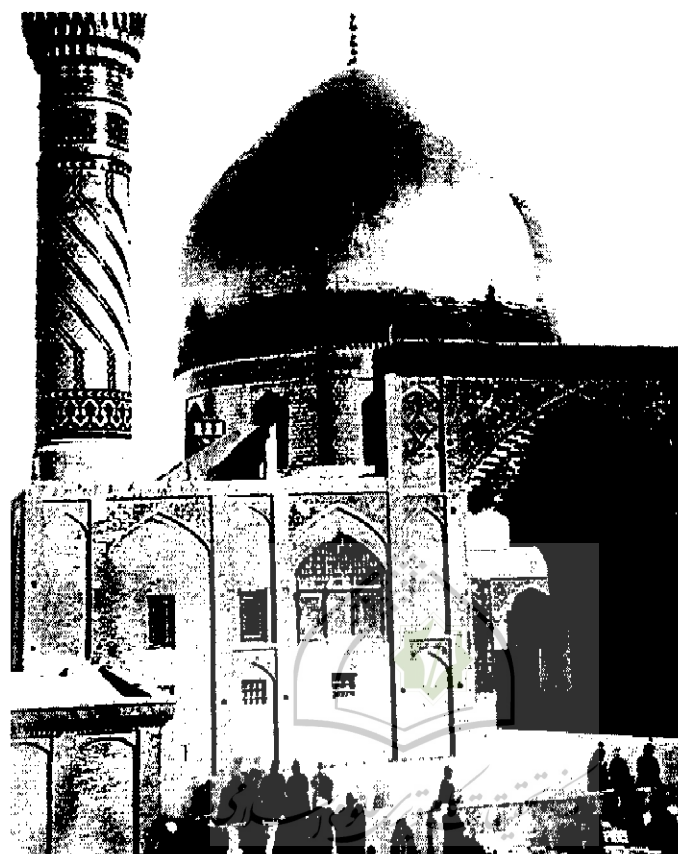
ناصرالدوله حمدانی یعنی همان «ابومحمدحسن بن ابی الهیجاء عبدالله بن محمد حمدان بن حمدون تغلبی» صاحب موصل اولین کسی است که بر قبر شریف امامان در سامراء قبه ساخت و برای ضریح پرده کشید و گرداگرد سامراء دیوار کشید و اطراف خانه امامان (ع) عمارات و ابنیه ساخت. پس از او احمدبن بویه معروف به معزالدوله سومین سلطان آل بویه در ۳۳۷ قمری به تعمیر آن مکان شریف همت گماشت. عضدالدوله دیلمی نیز این افتخار را داشت تا در ۳۶۸ قمری به تعمیر قبور امامین همامین عسکریین (ع) اقدام نماید.^۳

در دوره صفویه گنبد و صحنی برای مرقد امامان در سامراء ساخته شد. در ۱۱۹۸ (ق) احمدخان دنبلی حاکم مردم دار خوی که ۳۰ سال بر آن خطه حکومت کرده بود به قصد تعمیر و توسعه بارگاه عسکریین (ع) در سامراء برادر همسر خود میرزا محمد رفیع فرزند میرزا شفیع مستوفی الممالک را به همراه تعدادی معمار و کارگر به سامراء اعزام کرد تا عمارت جدیدی به سان عمارت نجف بر روی قبور ائمه (ع) بسازند.^۴ ممانعت برخی از اهل عراق از کار هیئت اعزامی احمدخان نزدیک بود به درگیری منجر شود که با جلب نظر سلیمان پاشا والی بغداد، هیئت توانست کار خود را در سامراء آغاز کند. احمدخان دنبلی در توطئه شوم برادرزادگان خود در ۱۲۰۰ قمری به قتل رسید. ظاهراً محرک ترور وی آقامحمدخان قاجار بود. به این ترتیب کار ساختمان صحن سامراء یک سال متوقف شد.

سرانجام حسینقلی خان فرزند احمدخان دنبلی پس از کنترل اوضاع و سرکوب مخالفان و قاتلان پدر خود، میرزا جعفر وزیر را که پسر میرزا رفیع سابق الذکر بود به سامراء اعزام کرد و او نیز طی دو سال عمارت آنجا را از قبیل صحن و مناره و رواق و

۳. زندگانی عسکریین، ج ۲، صص ۱۴۱-۱۴۲.

۴. عبدالرزاق بیگ دنبلی. تجربه الاحرار و تسلیة الابرار. تصحیح: حسن قاضی طباطبایی. تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ معاصر، ۱۳۴۹. ج ۱، ص ۲۰۱ و تحفة العالم. میرعبدالطیف شوشتری. تهران، [بی نا]، ۱۳۶۳. ص ۱۳۷.



گنبد سامراء [۱۶۸۶-۱]

صفه و ایوان و سرطاق و پیش طاق بنا کرد. این اقدامات تا ۱۲۰۷ قمری به طول انجامید و بارگاه عسکرین(ع) وضعیت مناسبی پیدا کرد. از خاندان دنبلی چندتن از جمله احمدخان دنبلی، کلبعلی خان پسر احمدخان، سلمان خان، نظرعلی بیگ خان پسر احمدخان در آن مکان مقدس مدفون هستند. با توجه به عادات اهالی سامراء به بهره برداری از ارادت شیعیان نسبت به اهل بیت(ع) در راستای ارضای آرزوهای خود در عین بی توجهی به نگهداری و حفاظت از بارگاه عسکرین(ع) لازم بود هر از چندگاهی شیعیان عاشق خود دست به کار شده و از حریم با صفای اهل بیت(ع) حفاظت نمایند و در تعمیر و نگهداری آن بکوشند. ادیب الملک که خود در ۱۲۷۳ قمری

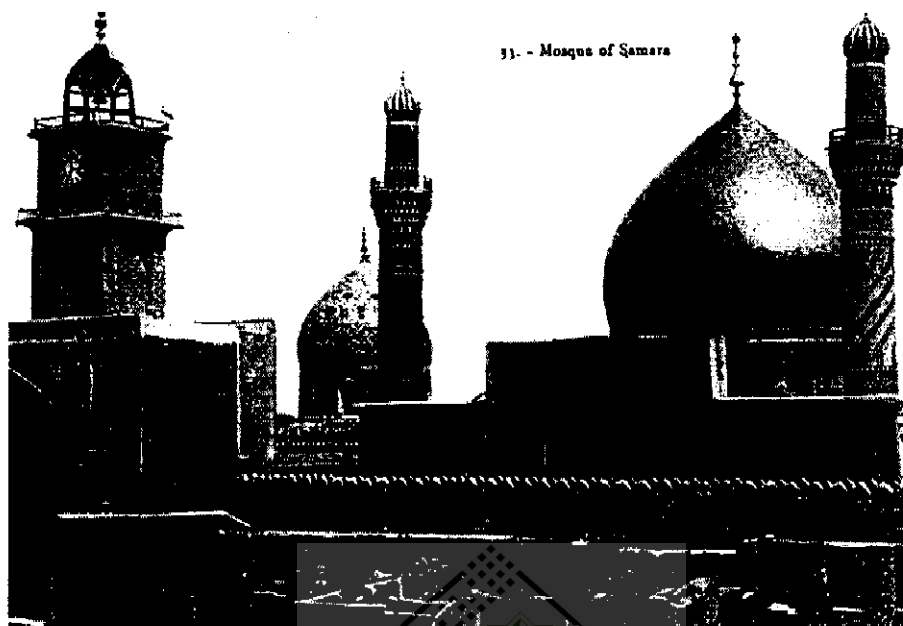
برای زیارت به عتبات عالیات مشرف شده بود می‌نویسد: «تا به حال سه دفعه از هندوستان به جهت طلا کردن گنبد مطهر [طلا] آورده‌اند، لیکن به این مصرف نرسیده و از میان رفته مگر به قدر یک کمر بند در دوره گنبد طلا شده است و مابقی از گچ سفید است.»^۵

همو وضعیت حرم شریف و سامراء را در ۱۲۷۳ قمری چنین توصیف می‌نماید:
جناب امام حسن عسکری و جناب امام علی‌التقی سلام‌الله علیهما و نرجس خاتون در یک سرداب که بالای سرداب یک ضریح است و سه صورت قبر، مدفون می‌باشند. و در زیر پای ایشان حلیمه خاتون دختر امام علی‌التقی علیه‌السلام است که ضریح وی از یک طرف چسبیده به ضریح مبارک امامین است. و بقعه هیچ یک از ائمه به بزرگی این بقعه مبارک نیست و گنبد منور نیز بزرگ‌تر از گنبد‌های سایر ائمه هدی علیه‌التحیة و‌الثناءست....

یک ایوان بزرگ دارد از طرف قبله و یک کفش‌کن. اصل بنای گنبد و صحن از صفویه بوده است لیکن احمدخان دنبلی تعمیر نموده است. و ضریح مقدس از پولاد است و میان بقعه مطهر تا دو ذرع از دیوار سنگست که نصب نموده‌اند و از دو ذرع به بالا تا سقف، آینه است. و پارگاه مبارک بسیار باشکوه است و دو منار در دو طرف گنبد مطهر است که هر یک تخمیناً بیست ذرع است. و صحن مبارک از حسب طول و عرض، نود ذرع در نود ذرع است. در برابر ایوان، در میان صحن مبارک، مرحوم آصف‌الدوله چاهی کنده و حوضی درست کرده که مردم وضو بگیرند. و یک ساقیه نیز سرکاره والده آقاخان محلاتی در میان صحن مبارک درست کرده که آب از شط می‌کشیده و می‌ریخته، به میان صحن می‌آمده است و همه کس از آنجا آب برمی‌داشته‌اند. لیکن این اوقات اسباب آوردن آبش بهم خورده است و آب نمی‌آید و صحن دیگر در پشت سراسر است که آن نیز چهل و پنج ذرع طول و همان قدر عرض دارد. لیکن از آن صحن راه به بقعه مطهر ندارد، باید داخل صحن بزرگ شد و از کفش کنی که از در قبله وارد می‌شوند، داخل ایوان و بقعه مطهره می‌گردند.

آنقدر خدام آنجا بی‌ادب می‌باشند و احترام نمی‌دارند که هر وقت داخل صحن مبارک می‌شدم، البته یا خر و یا سگ و تازی در آنجا بود که بیرون می‌کردیم. همه خدام چاریاری می‌باشند... چهل نفر خدام است و هر وقت که زوار زیاد می‌آید همه

۵. عبدالعلی ادیب‌الملک. سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات (دلیل الزابین). تصحیح: مسعود گلزاری. تهران، دادجو، ۱۳۶۴. ص ۱۰۰.



نمایی از حرم عسکریین در سامراء [۱-۵۰۱۸]

اهالی آنجا خادمی هستند با اجتنام. به طورهای مختلف پول از مردم می‌گیرند و عذر از هیچ کس نمی‌پذیرند. خود دیدم که دو طرف در را گرفته به زواران می‌گفتند که اول پول بده بعد برو زیارت کن. تغیر زیاد به او کردم و گفتم ای مردود دست از زوار بردار و کمتر شرارت کن.

بالجمله حاکم و کلیددار و پسرش را تحریص و ترغیب به اذیت خدام بی‌ادب می‌نمودم و باب زیارت برای زوار می‌گشودم تا این که کار به جایی رسید که خدام در آن ده روز توقف، یک مرتبه صحن مبارک را جاروب کردند و خاک‌روبه‌اش را بیرون بردند.^۶

ایوانی که چاه غیبت آن حضرت در آنجاست تخمیناً دو ذرع و نیم طول و دو ذرع

۶. متأسفانه اکنون نیز حال سامرائیان همین‌گونه است. در دو بار تشریفی که ۱۵۸ سال بعد از ادیب‌الملک، سعادت آن نصیب بنده نگارنده شد سامراء و اهل آن را حربص، جسور و بی‌اعتنا نسبت به نگهداری و حفظ حرم مطهر و تأسیسات آن یافتیم که علی‌رغم انتفاع فراوان مالی از قبل هجوم زوار به آن مکان مقدس هیچ خدمتی ارائه نمی‌کنند و بعضاً بی‌ادبانه زورگیری می‌نمایند.

عرض دارد و چنان می‌نماید که مجموع آن ایوان از چوب منبت بوده چنان که قدری از آن باقیست، و کتیبه دور که به خط کوفی نوشته‌اند باقیست. و چاه در اول چاه نبوده است بلکه چون محل غیبت بوده است، از کثرت برداشتن خاک به جهت تیمن و تبرک، تخمیناً به قدر دو ذرع گود است. یک سنگی از مرمر تراشیده‌اند مربع و بر در چاه گذاشته‌اند. و اکثر اتراک که فارسی نمی‌دانند و به زیارت می‌روند، از نفری یک قمری [می‌گیرند]، در وقتی که سر به میان چاه می‌کنند و در ضمن زیارت می‌گویند: یا صاحب‌الزمان اینها زوار بدی هستند، پول نمی‌دهند [و] ما را خوشحال نمی‌کنند و به عینه اتراک همین عبارت‌ها را می‌گویند.

و آن ایوانچه از برای سرداب مبارک مثل صندوقخانه می‌باشد. و اصل سرداب چهار ذرع عرض و هفت ذرع طول دارد و در پشت سرداب از برای کسی که رو به قبله ایستاده باشد یک سرداب دیگر است که نماز زیارت را چه زن و چه مرد، در آنجا می‌کنند. و از کرباس تا بالا که داخل مسجد می‌شوند، بیست پله دارد. و آن مسجد را مرحوم محمدعلی میرزا ساخته است. و گنبد مسجد از کاشی است و آن مسجد صحنی ندارد. و از کفش‌کن که داخل می‌شوی ایوانی است و از ایوان روبه قبله داخل مسجد می‌شود. و از طرف دست چپ سرداب مبارک است. و صحن مبارک مسجد و سرداب صاحب‌الزمان، عرضاً و طولاً هفتاد ذرع است. [سامره] به قدر سی صد خانوار جمعیت دارد و ربع فرسنگ دوره قلعه سامره است، لیکن همه قلعه معمور نیست. و دیوار قلعه سامره را محمدشاه هندی، از گچ و آجر ساخته‌اند و برجهای بسیار محکم به دورش انداخته. سه دروازه دارد: یکی دروازه بغداد است و دیگری دروازه شریعه است و عرب جانی از شط را می‌گویند که از آنجا مردم آب برمی‌دارند زیرا که از همه جای شط نمی‌توان آب برداشت، و دیگری دروازه قاعد است که متعلق به اسم قبیله [ای] از عرب است.^۷

«اهالی سامره چون شیطانند و از دوستان ابی‌سفیان. همیشه چهار پنج فرسنگ زوار را استقبال می‌کنند و مردم را فریب می‌دهند. چون به زواری می‌رسند می‌گویند من مهماندار شما هستم و از شوق مهمانداری زوار همیشه هستم. آب هرچه بکار دارید می‌دهم و هیزم هرچه صرف نمائید منت نمی‌نهم، کرایه خانه من همیشه از دیگران کمتر است و جو و کاهم از همه کس ارزانتر. بجز من که سید اولاد پیغمبرم، همه مردم چهاریاری هستند و از زحمت دادن به زوار دلخوش و مستند.

۷. عبدالعلی ادیب‌الملک، همان، صص ۱۰۰-۱۰۳.

بیچاره زوار را به زبان بازی و زمانه‌سازی به خانه می‌آورد. وقت گاه و جو کشیدن و نان و ملزومات دیگر خریدن، آن شخص استقبال کرده و به خانه آورده ابدأ نزدیک نمی‌آید و دیگری به روی آن زوار باب محبت می‌گشاید تا وقت حرکت، می‌گوید حساب آنچه اخراجات گرفتی تمام کن و به رفتن اقدام. زوار بیچاره دل خوش است که نرخ هر چیزی همان است که در صحرا به او گفته‌اند و از او چیزی ننهفته‌اند. چون حساب می‌کند ده مقابل قرار اول از او می‌گیرند و به هیچ وجه عذر او را نمی‌پذیرند. وقتی که صاحب خانه به میل خاطر خود پول از آن زوار گرفت، به رفتن مأذون است. اولاً معطل و سرگردان و دل خون تا بر وفق دل خواه نقدی نشمارد نتواند قدم بیرون بگذارد.^۸

ده سال پس از سفر ادیب‌الملک به عتبات علیرضاخان عضدالملک پیشخدمت خاصه ناصرالدین شاه مأموریت یافت چهارصد صندوق خشت طلا اهدایی و نذر ناصرالدین شاه را جهت مطلا کردن گنبد عسکریین (ع) به عراق ببرد. سفر وی در ذی‌قعدة ۱۲۸۳ آغاز شد و موفق گردید خشتهای طلا را در کاظمین تحویل جناب شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ‌العراقین) بدهد.^۹ شیخ وظیفه داشت علاوه بر مطلا کردن گنبد نسبت به احداث مناره و انجام تعمیرات در حرم مطهر سامراء اقدام نماید که بخش عمده این اقدامات توسط آن مرحوم در زمان حیات‌اش تحقق یافت. عضدالملک پس از تحویل خشتهای طلا، جهت زیارت سایر اعیان مقدسه واقع در عراق به کربلائی معلی، نجف اشرف و سامراء نیز مشرف می‌شود. وصف سامراء و وضعیت حرم مطهر را در ۱۲۸۳ قمری از قلم او می‌خوانیم:

اما سر من رأی قلعه‌اش از قلعه مبارکه نجف اشرف اندکی کوچک‌تر است و خانه‌هایش ثلث و خانوارش تخمیناً چهارصد و بازارش هیچ الا دو سه دکان بقالی

۸. همان، ص ۱۱۳.

۹. آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین تهرانی معروف به شیخ‌العراقین از مجتهدین معروف و زاهد عصر قاجار محسوب می‌شود. او وصی میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود و پس از مرگ امیر بر حسب وصیت او شیخ عبدالحسین، مسجد و مدرسه‌ای از محل ماترک امیر احداث کرد که معروف به مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین یا مسجد آذربایجانی‌ها شد. او سپس به عتبات هجرت کرد و امور بازسازی بقاع متبرکه در عتبات عالیات از سوی ناصرالدین‌شاه به او محول شد که در انجام این مأموریت از هیچ کوششی فروگذار نکرد. مطلا کردن گنبد عسکریین یکی از اقدامات آن مرحوم می‌باشد که به دستور ناصرالدین‌شاه صورت گرفت. حاج شیخ عبدالحسین تهرانی در ۱۲۸۶ قمری در بین‌النهرین درگذشت.

درب صحن کوچک دارد. مردمش تماماً سنی هستند. دو خانوار شیعه آنجا هست. یکی [خانواده ملا آقا کوچک] - که از جانب دولت متولی چهل چراغ همایونی است - و یکی [خانواده شماعی]. سیدعلی کلیددار حالتش عرض شد، ولی به ظاهر همه مدعی تشیع اند و جمیع خدام برای یک دینار مضایفه از صدقتل نفس ندارند. مع هذا الحمد لله از اقبال بی زوال و صولت شاهنشاه جم همال قدرت یک کلمه خلاف ندارند و نهایت خدمت‌گزاری از زوار می‌نمایند.

اما صحن مقدس و حرم مطهر امامین الهامین عسکریین صلوات الله علیهما را، که احمدخان دنبلی ساخته، بسیار خوش وضع و خوش روح است. لیکن اطراف صحن طاق‌نما است. حجره ندارد و در جلورواق و حرم مطهر ایوانی است روی باز، شبیه ایوان مبارک نجف نداشت، حال جناب شیخ عبدالحسین سلمه الله تعالی - در دو طرف - از تنخواه دیوان اعلی دو مناره بنا نموده و آن مناره‌ها را با صبه طاق‌نماهای صحن کاشی کرده‌اند. بی‌نهایت تعریف دارد. مثل مینا می‌نماید و آن روز از مناره‌ها هریک به قدر ده ذرع ساخته بودند. گنبد مبارک از سایر گنبدهای مشاهد مشرفه بزرگ‌تر است و حرم مطهر از جمیع حرمهای محترمه وسیع‌تر است. حضرتین عسکریین سلام الله علیهما و نرجس خاتون مادر حضرت قائم (ص) در یک ضریح مرادف یکدیگرند و حلیمه خاتون زیربای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. ضریح بزرگ [از فولاد است و ضریح حلیمه خاتون را تنگه برنج کوفته‌اند. چهل چراغ مبارک اعلی حضرت اقدس شهرباری روحنا فداه، درب حرم منور، در میان رواق آویخته و کوچک در کمال نظم و آراستگی نگاه داشته است و نهایت شکوه دارد. دور گنبد مبارک را هفت هشت ردیف از خشتهای منور هدیه همایونی نصب نموده‌اند که تخمیناً چهارهزار خشت کار شده بود.^{۱۰}

در زاویه آن صحن مقدس، میان شمال و مغرب صحن کوچک‌تر است و در طرف جنوب آن صحن کوچک مسجدی است مشتمل بر ایوان و رواق و گنبد و در زیر ستون یسار گنبد، راهی است که به سرداب حضرت قائم عجل الله فرجه می‌رود. بیست و دو پله است و بعد هشتی راهی است به سرداب. عرض آن سرداب سه ذرع کم‌تر است و طولش چهار ذرع و نیم می‌شود. در آخر سرداب شاه‌نشینی

۱۰. مرحوم حاج شیخ عبدالحسین تهرانی پس از تحویل گرفتن خشتهای طلا در بغداد و در زمانی که عضدالملک جهت زیارت قبر منور سیدالشهداء به کربلاء مشرف شده بود از پشت باغات کاظمین عبور داده و از طریق آب به سامراء منتقل نمود و بلافاصله مشغول به کار شده بود به نحوی که پس از مشرف شدن عضدالملک به سامراء مقداری از خشتهها برگنبد عسکریین (ع) نصب شده بود.



۱۶۵

ضریح مطهر امام هادی و امام حسن عسکری در سامراء

است که ارسلی نهاده اندی چاهلی در آن شاه نشین الملک که گویند حضرت آنجا غیبت فرموده. عقب آن سرداب به اندازه همان سرداب مسجدی است. زمین سرداب و هشتی پله، همه را سنگ موصلی فرش کردند و از راهش همه کاشی است.^{۱۱}

در اینجا بی مناسبت نیست که ذکری از ماجرای ارسال خشتهای طلا و مطلا نمودن گنبد عسکریین (ع) به میان آید. در ۱۲۸۳ قمری ناصرالدین شاه قاجار با صدور فرمانی به علیرضاخان قاجار ملقب به عضدالملک که سمت پیشخدمت خاصگی شاه را نیز داشت و از رجال معتبر و مهم قاجاریه محسوب می شد مأموریت داد چهارصد صندوق خشت طلا را جهت به کار بردن در گنبد عظیم حرم سامراء به عراق منتقل نماید. فرمان شاه چنین است:

۱۱. علیرضا عضدالملک. سفرنامه عضدالملک به عتبات. به کوشش حسن مرسلوند. تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. ۱۳۷۰. صص ۱۹۳-۱۹۴.

هو

مقرب الخاقان، نتیجه الامراء العظام، فدوی زاده خاص دولت جاوید آیت، علیرضاخان پیشخدمت خاصه به عنایات خاطر خطیر ملوکانه مفتخر و مباحی بوده بداند که چون خشتهای طلا که به جهت گنبد منور مطهر عسکریین صلوات الله و سلامه علیهما ساخته شده نظر به امانت و دیانت آن فدوی زاده خاص، حمل خشتهای مزبور را به عهده آن مقرب الخاقان محول و مفوض فرمودیم که با کمال نظم و درستی خشتهای طلا را حمل نموده و در کاظمین تحویل جناب مستطاب فضایل مآب، افادت و افاضت نصاب، حقایق و معارف اکتساب، قدوة العلماء و زبدة الفقهاء، مجتهد العصر والزمان، شیخ المشایخ العظام، شیخ عبدالحسین سلمه الله تعالی داده که به کار ببرد. در بین راه از غلام و سرباز و فرارش [و] مأمورین چنانچه تقصیری و خلافی ظاهر شود آن مقرب الخاقان خود ماذون است که به فراخور تقصیر آنها تنبیه نماید. باید با کمال نظم و درستی این خدمت را به انجام رسانده در عهده شناسد. حرره فی شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۸۳.^{۱۲}

به این ترتیب مأموریت عضدالملک آغاز می شود. لازم به ذکر است که شاهان قاجار به رغم همه نواقص و کاستیها در حکومت گری و اخلاق و رفتار شخصی در حفظ شعایر شیعی و دینی تا حدودی اهتمام داشته و حداقل اینک نسبت به مبانی دینی و شعائر شیعی عناد نداشتند. لذا از این تنوع اقدامات در کارنامه اغلب آنان مضبوط است. (برخلاف پهلوی ها که اساساً برای هدم اساس اسلام و تشیع به دست بیگانگان گماشته شده بودند و در این راه همچون متوکل عباسی و وهابون تکفیری در مقابل اقامه شعائر دینی موضعگیری می کردند و نسبت به ساحت مقدس اهل بیت (ع) و شیعیان مظلوم آنان جسارت روا می داشتند).

عضدالملک سفر خود را در روز سه شنبه دوازدهم ذی القعدة ۱۲۸۳ آغاز نمود و در دوشنبه نهم جمادی الاولی ۱۲۸۴ به پایان برد. منزل اول کاروان حامل خشتهها پس از خروج از تهران شهرری یا حضرت عبدالعظیم بود و از آنجا این سفر بزرگ با همراهی سیصد نفر و هفتصد رأس چارپا آغاز گردید. روزنامه خاطرات این سفر را عضدالملک تهیه کرده که اکنون در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نگهداری می شود. در سال ۱۳۷۰ شمسی این اثر به کوشش حسن مرسلوند به چاپ رسیده است.

۱۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۶۸۴۹.

کاروان حامل خشتهای طلا منزل به منزل با اشکهای دیدگان محبان اهل بیت(ع) و شیعیان آل علی(ع) استقبال و بدرقه می شد و باشکوه هرچه تمام تر به سوی کوی جانان راه می سپرد. با ورود کاروان به خاک عثمانی مقامات عثمانی و ایرانی و مردم شیعه و سنی به استقبال کاروان آمدند. عضدالملک خود ورود به کاظمین را چنین توصیف می نماید:

از [...] قبر ابوحنیفه الی [...] آستان ملائک پاسبان کاظمین علیهما السلام، در دو جانب، و از دو طرف، شیعه و سنی، سپید و سیاه و اناث و ذکور، در خارج و داخل بغداد، بر سر برجهای قلعه و بام سرایه پاشا و میدان درب سرایه و قهوه خانه ها و قراول خانه های دو جانب و دکاکین و زیر دیوارها و بام و منظره خانه ها - تا کنار دجله و روی جسر و بغداد کهنه و صحرای کنار دجله - فیما بین بغداد و آستانه مقدسه کاظمین علیهما السلام، از هر نوع و هر جنس [...] بر دوش یکدیگر بر می آمدند...

از جایی که مستقبلین رسیدند تا به دروازه کاظمین علیهما السلام، قریب چهارصد قربانی کردند [...] و نه آنقدر شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام را طرب و نشاط احاطه کرد که توانم حکایت نمود.

نواب اقبال الدوله که از اجله هند و سرسلسله رنود عهد است، با نوابان هند بیامدند و به محض دیدن نفر همایونی، زمام اختیار از دست داده، خوشتن بر پای استران افکندند و لجامشان بیوسیدند و کحل الجواهر غبارشان بر دیدگان کشیدند و از رفتار او و قری و شکوهی بیفزود و عظمی در دلها برفت. پس از آن جناب علامه الخبیر و التحریر البصیر، محقق الدقایق و مدقق الحقایق شیخ عبدالحسین سلمه الله تعالی با جمعی از علمای اعلام و فضلاء کرام رسیدند.^{۱۳}

به این ترتیب خشتهای طلا به آیت الله شیخ عبدالحسین تهرانی تحویل گردید و کار نصب خشتهای طلا هم به سرعت آغاز شد. گنبد حرم مطهر عسکریین همان طور که ذکر شد بزرگترین گنبد در بین گنبدهای اعتبار مقدسه است. حسن الامین نویسنده معاصر و گردآورنده اثره المعارف الاسلامیه الشیعه در خصوص ویژگیهای گنبد و سخن حرم مطهر سامراء می نویسد: گنبد سامراء بزرگترین گنبد در بین گنبدهای قبور ائمه اطهار

۱۳. علیرضا عضدالملک، همان، ص ۱۲۴.



گنبد حرم و گنبد سرداب مطهر در سامراء

۱۶۹

(علیهما السلام) است. محیط آن ۶۸ متر و قطر آن ۲۲/۲۳ می باشد. خشتهای گنبد ۷۲۰۰۰ عدد می باشد. در جهت جنوبی آن دو مناره وجود دارد که با کاشی پوشیده شده به ارتفاع ۳۶ متر از زمین. در داخل صحن ۴۵ ایوان وجود دارد، ۱۶ ایوان در جانب غربی، ۹ ایوان در جانب جنوبی و ۲۰ ایوان در جانب شرقی».^{۱۲}

حاج شیخ عبدالحسین تهرانی توفیق یافته بود که با خشتهای ارسالی از ایران گنبد عظیم سامراء را مطلا نماید. ناصرالدین شاه چهار سال پس از ارسال خشتهها خود به زیارت عتبات عالیات در عراق رفت و درباره سامراء و گنبد حضرت عسکریین چنین نوشت:

وارد صحن مقدس شدیم گنبد حضرت عسکریین (ع) را که طلا کرده ایم بسیار خوب و قشنگ و خوش ترکیب است. گنبد بزرگ خشت طلا زیادی پرده است. حضرت سه صحن دارد. دو تا بزرگ یکی کوچک تر. صحنها را همه ما تعمیر

۱۲. حسن الامین. دائرة المعارف الاسلامیه الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۸ق. ج ۱۳، ص ۱۵۳.

کرده [ایم]. طاق نماه از کاشی خوب کرده‌اند. به دست شیخ عبدالحسین مرحوم. اغلب تعمیرات اینجا را الحمدلله تعالی، من به دست شیخ عبدالحسین مرحوم کرده‌ام. خلاصه خدام کمی، یعنی به قدر سی نفر با سیدعلی کلیددار، که ریش محرابی سیاهی، و روی آبله و ابروی سیاه و چشم شهبازی سیاهی دارد، با قدری علم‌ها در دست آمدند....

کلیددار می‌گفت من شیعه هستم. شیخ محمد برادر شیخ عبدالحسین مرحوم، و آخوند میرزا محمدباقر سلماسی پسر ملازین‌العابدین سلماسی، که مدت مدیدی است در اینجا توطن دارد، آمدند عالمی از شیعه همین است. در اینجا وارد به رواق [و] از آنجا وارد ضریح و تحت قبه عسکرین شدیم. زیارت خوانده [شد و] توی ضریح رفته، طواف مرقد مطهره به عمل آمد [بعد] بیرون آمده زیارت حلیمه خاتون، خوانده، بعد بالای سر، نماز ظهر و عصر خوانده شد بعد رفتیم به مقام غیبت حضرت صاحب‌الامر (ع). ابتدا گنبد کاشی‌کاری از بناهای مرحوم محمدعلی میرزا مرحوم حاکم کرمانشاهان زیر گنبد مسجد است. تویش همه گچ‌کاری، یادگار زیادی، باز مردم نوشته‌اند. بعد دری است که داخل زیرزمین می‌شود، که حضرت غایب شده‌اند. بیست پله می‌خورد تا پایین. بعد محوطه‌ای است کوچک به سقف یک روزنه دارد. بعد از آن هم محوطه مسقف کوچکی است مثل ایوان که یک روزنه درازی از بغل دیوار دارد، که روشنی می‌افتد و آینه کاری است. آنجا دری است، در چوبی از بناهای الناصر بالله خلیفه عباسی که تاریخش ۶۰۶ هجری قمری که ششصد و هشتاد و یک سال است پیش از این بنا شده [است]. هنوز آن در بی‌عیب مانده، و اطراف در که تاریخ و غیره نوشته‌اند، چنان خوب منبت‌کاری و از چوب درآورده‌اند، که عقل حیران می‌ماند. و این آیات و عبارات که بعضی خوانده شده [است] آنجا نوشته‌اند (در ضلع سمت راست) بسم‌الله الرحمن الرحیم قل لا اسئلكم علیه اجر الا المودة فی القربى «سوخته است» (نزوله حسناً) دوره در: إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ هَذَا مَا أَمَرَ بِعَلْمِهِ سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْمُفْتَرَضِ طَاعَتَهُ عَلَى جَمِيعِ الْإِنْسَانِ، ابوالعباس احمد الناصر لدين الله، اميرالمؤمنين و خليفه رب العالمين الذي طبق البلاد احسانه و عدله و عمر العباد بزه و فضله قرن‌الله اوامر الشريفة استمراراً بالتحج و التيسر و جنوده بالتانيد و النصر و جعل لا يامه المخلده حداً لا يكون اجوده و لا براية الممجده سعداً محتواً بزيادة في عز ينخضع له الاقذار فيطعمه عواصيها و ملك خشع له الملوك ليملكه نواصيها يتولى الملوك الحسين بن سعداً الموسوي يرجوا الحيات) ضلع سمت چپ (في ايامه المخلده و يتمنى انفاق بقية



۱۷۱

گنبد مطهر عسکریین در سامراء پس از عملیات وحشیانه وهابیون

عمره فی الدعاء لدولته المؤیدة استحباب الله ادعیه فی ایامه الشریفه السنیه) زیر در بعد از وضع آنچه سوخته است (من سنه سلط و ستمانه الهالیه و حسبنالله و نعم الوکیل و صلی الله علی سیدنا و خاتم النبیین و علی آله الطاهرین). این در، یر بزرگ نیست و ترکیب در مربع بالای در، هلالی وسط درها شبکه ای است، از چوب طول یعنی ارتفاع در، تخمیناً دو زرع عرض درهم بهم چنین، بعد داخل محوطه بسیار کوچکی که جای چهار نفر آدم است، که بزور بنشینند، می شوند. آنجا را شیخ محمد، کاشی کاری کرده است. اسم ما را هم نوشته است. آنجا چراغی روشن کرده، آنجا رفتم. در آنجا یک چاهی است، دور چاه مرمر است. دهن چاه کوچک است. همین قدر است که یک نفر توی چاه برود. گودی چاه دو زرع می شود، که حضرت آن میان غیبت فرموده اند. بوی عطر خوشی از توی چاه می آمد. دو رکعت نماز آنجا کردم. قدری نشستم به شیخ محمد حکم شد شبکه مطالانی ساخته روی چاه بگذارد، که کسی من بعد توی چاه نرود. بعد آمدم بیرون، رقتم بالای پشت بام. گنبد را درست تماشا کرده، الحق گنبد مطهر ثانی ندارد. بسیار بسیار خوب است. از بالای بام اطراف

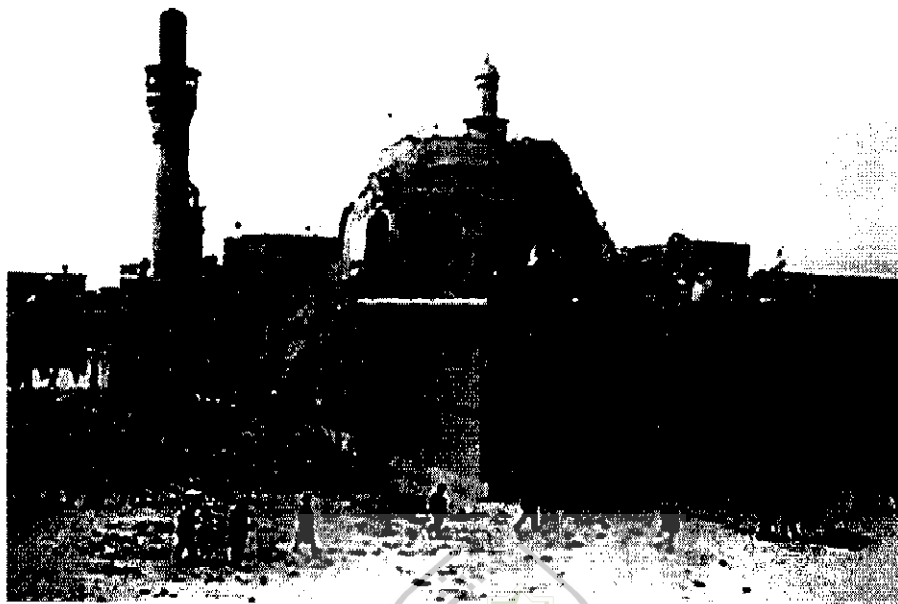
و توی قلعه سامره هم پیدا بود. توی قلعه بسیار خراب است. اطراف شهر قدیم سامره همه خرابه است. و پیدا بود بسیار شهر قلعه بسیار خراب است. اطراف شهر قدیم سامره همه خرابه است. و پیدا بود بسیار شهر عظیمی بوده است. قلعه‌جات زیادی که همه دیوارهای آن، و برجش باقی است. از آجر و خشت پیدا بود... ضریح امامین [از] فولاد است. از بناهای شاه سلطان حسین صفوی [است]. بسیار خوب ساخته‌اند. اول مرقد و صندوق امام علی‌التقی است. دوم صندوق امام حسن عسکری، سوم در توی همین ضریح، صندوق نرجس خاتون، والده صاحب‌الامر است. رو به طرف مشرق، ضریح حلیمه خاتون است، دختر امام محمدتقی است. چسبیده به ضریح حضرت. ضریح از برنج است. بنای گنبد حضرت و صحن و... از بناهای احمدخان دنبلی است. توی گنبد آینه کاری خوبی است. از محمدعلی خان هندی، پادشاه لکنه‌پور، یا وزیر بوده است. گنبد مطهر از بناهای مالاست. عجب گنبد طلای خوبی است. یک چهل چراغ هجده لاله هم از ما با روشنائی پیشکش شده است. آویزان از رواق [است]. قندیل و... هیچ [چیز دیگر] نیست، لخت است.^{۱۵}

ناصرالدین شاه در سفرنامه خود اشاراتی هم به اهل سامراء و خلق و خوی آنان دارد که ذکر آن تکراری است. شاه ایران نیز از زورگیری اهل سامراء در امان نبوده و مجبور شده سیصد تومان انعام بپردازد.

در ۱۳۰۴ قمری ابوالحسن خان اردلان (فخرالملک) سفری به عتبات دارد که با ذکر بخشی از خاطرات او که مربوط به سامراء و ملاقات با آیت‌الله العظمی سید محمد حسن شیرازی می‌شود به این مقال خاتمه می‌دهیم:

مقارن غروب بود وارد قصبه شدیم و به زیارت آستانه مقدسه شرفیابی حاصل نموده دعای ذات ملکوتی صفات همایونی روحنا فداه را به جای آوردم. آقا سید علی کلیددار در ضریح مطهر را باز کرد. اصل قبر منور را زیارت کردیم. حضرت امام علی‌التقی و حضرت امام حسن عسکری و حضرت نرجس خاتون، مادر حضرت صاحب‌الزمان علیهم‌السلام در یک ضریح فولاد هستند و در پایین یا ضریح دیگر متصل به همین ضریح است که حلیمه خاتون، دختر امام محمد تقی علیه‌السلام مدفون است. زیارت خوانده بیرون آمدیم. در صحن دیگر گنبد کاشی است، که محل

۱۵. سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات. به کوشش محمدرضا عباسی - پرویز بدیعی. تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲، صص ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰.



۱۷۳

حرم مطهر عسکرین در سامراء پس از عملیات وحشیانه وهابیون

غیبت حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه است و چاهی است [که] می‌گویند حضرت در آنجا غایب شده‌اند. زیارت خواندیم گنبد طلای عسکرین علیها السلام در نوزده سال قبل از این از جانب سنی الجنواتب سرکار بندگان اعلیٰ حضرت شاهنشاهی ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه به توسط علی رضا خان عضدالملک طلا شده است و هنوز گنبدی به این عظمت و بزرگی ندیده‌ام. خیلی باشکوه و خوب دو گلدسته کاشی دارد که یکی از آنها ناتمام است و مرحوم شیخ عبدالحسین از جانب سرکار بندگان همایونی روحنا فداء ساخته است، ناتمام است. مختصر بنایی دارد که تمام کند.

صحن مطهر هم همه قبر است و فرش سنگی و سرداب ندارد. چندان تعریفی ندارد. خداوند توفیق بدهد بسازند. ضریح مطهر فولاد هم اندکی تعمیر لازم دارد مختصر خرجی دارد. به اتفاق احمدخان خدمت جناب میرزا رسیدیم. اول در اتاق بیرونی نشستیم که فرشهای پاره [ایی] داشت. بعد از ساعتی احضار به اندرون شدیم. اتاقی کوچک به چند قالیچه مفروش بود. قریب پنجاه جلد کتاب هم در طاقچه‌ها چیده بودند خود جناب میرزا پوستینی بر دوش انداخته بودند. عمامت مولوی بسیار

کوچک سبزی بسته بودند. ریش سفید صورت نورانی داشت. بعد از سلام و تعارفات از مسائل لازمه صحبت شد. بدو خیلی دعا به وجود سرکار بندگان همایونی روحنا فداه نموده، واقعاً اگر مراحم ملوکانه نبود اهل تسنن امسال جناب میرزا را خیلی اذیت می‌کردند.^{۱۶} ثانیاً بعضی از سوالات را جواب فرمودند و بعضی را به سکوت گذرانیده، گریه جواب دادند. همین قدر می‌دانم، به دلایل عقلم و شرعیه طوری فرمودند که اسباب حیرت شد. آن قدر فهمیدم خداوند بر مراحم کند انشاءالله، کار و بار بنده که خیلی مغشوش است، جز فضل الهی که قلم غفو بر جرائم این عبد ذلیل کشیده شود، چاره‌ای ندارد والا با عدالت خداوند درست در نمی‌آید. با کمال ملال و تأسف بر احوال خود برخاسته به منزل آمدم و در این ساعت از خداوند توفیق و مغفرت می‌خواهم. اللهم اغفر لنا و ارحمنا و عافنا و اعفو عنا فی الدنيا و الاخره به محمد و آله.^{۱۷}

روز چهارشنبه سوم اسفند ماه ۱۳۸۴ مصادف با ۲۳ محرم ۱۴۲۷ دست ناپاک فرزندان یزید و متوکل عباسی به فرمان اشغال‌گران صلیبی - صهیونی گنبد و بارگاه امامین همامین عسکریین (علیهما السلام) را منفجر نموده و از بین بردند. این جنایت انسانی، دینی و تاریخی ریشه در تفکرات پلید وهابیون منحنی دارد که با دستان ناپاک خود از کشتن هیچ مسلمانی اعم از شیعه و سنی ابا ندارند. پس از تخریب بقیع مظلوم، این بزرگترین جنایت وهابیون در حق عالم اسلامی و بشریت است. حرم ائمه معصومین در سامراء بار دیگر با شگوه‌تر از قبل ساخته خواهد شد تا باز دیدن گنبد طلایی عظیم آن باعث سرور قلوب مومنین گردد اما مطمئناً خانه استکبار جهانی و عوامل تکفیری آن پس از این جنایت همانند کاخ متوکل عباسی ویرانه خواهد گردید. انشاءالله و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

۱۶. یکی از دلایل حضور میرزای شیرازی در سامراء سر و سامان دادن به وضعیت حرم مطهر عسکریین بود که در غربت خاصی بسر می‌برد. حضور مرجع بزرگ شیعیان در سامراء توجه شیعیان را به آن شهر بیشتر جلب می‌کرد و همین باعث عمران و آبادانی بیشتر شده و حاشیه امنیتی‌ای هم برای زوار و هم حرم مطهر سامراء فراهم می‌ساخت. با مرگ میرزای شیرازی متأسفانه این حرکت تعقیب نشد و آثار خیر فرهنگی و عمرانی آن بزرگمرد به سرعت رو به نابودی گذاشت. تداوم اقدام میرزا می‌توانست سامراء را تبدیل به شهری شیعی‌نشین نماید و اگر چنین شده بود وهابیون سلفی با آرامش کامل نمی‌توانستند چنین جسارتی را نسبت به حرم مطهر عسکریین روا دارند.

۱۷. ابوالحسن‌خان فخرالملک. از حریم تا حرم (سفرنامه ابوالحسن‌خان فخرالملک به عتبات). به کوشش محمدرضا عباسی. تهران، سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۲، صص ۶۵-۶۶.